

جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)
دوره جدید، سال پانزدهم، شماره ۵۲، بهار ۱۳۹۶

بازتعریفی از ژئوپلیتیک شیعه (با تأکید بر راهپیمایی اربعین)

حمیدرضا محمدی^۱، ندیمه سلیم‌نژاد^۲ و ابراهیم احمدی^۳

تاریخ تایید: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵، تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵

چکیده

مذهب در سیاست و پیوند با قدرت در زمره‌ی مطالعات ژئوپلیتیک به‌طور عام و ژئوپلیتیک فرهنگی (ژئوکالچر)، به‌طور خاص قابل بحث و بررسی است. در این مفهوم، ژئوپلیتیک شیعه به معنای قدرت و شدت تاثیرگذاری جامعه شیعه بر تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. مفروضه اصلی پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که راهپیمایی اربعین به‌عنوان یکی آموزها و عناصر نمادین مذهب شیعه، از چه جایگاهی در وزن ژئوپلیتیک و منابع قدرتی شیعیان برخوردار است؟ عواملی چند نظیر: موقعیت برتر شیعیان در منطقه، تسلط حداکثری شیعیان بر منابع انرژی خاورمیانه، قابلیت تهدید رژیم صهیونیستی، قدرت منطقه‌ای ایران، ماهیت مردم‌سالاری دولت‌های شیعی و اجمالاً حوادث منطقه، طی این چهار دهه (از انقلاب ایران)، زمینه‌ی تثبیت قدرت شیعیان در منطقه را فراهم آوردند. هرچند بنیان‌های قدرتی این ژئوپلیتیک، همواره باعث تصویرسازی هراس از شیعه از جانب دول غربی - عربی، در منطقه بوده و هست؛ ولی واقعات موجود گویای قدرت ژئوپلیتیک شیعیان است. پژوهش حاضر، به دنبال بازتعریفی از ژئوپلیتیک شیعه است. مفروضه این است؛ هنگامی درک درستی از ژئوپلیتیک شیعه میسر می‌شود، که شناخت درستی از ریشه و سرچشمه‌ی واقعی قدرت شیعه حصول شود. در اینجا، افکار و عقاید و به تعبیری ایدئولوژی شیعی (عاشورا، غدیر، مهدویت و ولایت فقیه و...) همان زیربنا و قدرت واقعی شیعه است. به تعبیری، در واقع قدرت حقیقی شیعه ناشی از این ارزش‌ها و باورهاست. یکی از این ارزش‌ها، که امروزه، تبدیل به نمایش ایمان، اتحاد و اقتدار شیعیان در منطقه و جهان شده، راهپیمایی عظیم اربعین است.

کلیدواژگان: شیعه، ژئوپلیتیک شیعه، قدرت نرم، راهپیمایی اربعین.

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

۲. مدرس دانشگاه فرهنگیان

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی (مسئول مکاتبات) Ebrahimahmadi1365@yahoo.com

مقدمه

از زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران تاکنون، شیعه به‌عنوان عاملی اثرگذار در حیطه‌های داخلی و خارجی کشورهای منطقه مطرح بوده است. به استثنای ایران، لبنان، سوریه و تا حدی عراق پس‌اصدام، شیعیان در این کشورها (که اکثریت آنان عرب می‌باشند) در اقلیت محسوسی از لحاظ سهم بودن در عرصه قدرت سیاسی - حکومتی قرار دارند. این شیعیان همواره در محرومیت شدید قرار داشته‌اند و میزان سرکوب این اقلیت توسط اکثریت‌های سنی تا حدی بوده است که آنان را مسلمانان فراموش شده می‌نامیدند. تأثیر انقلاب اسلامی ایران در ساختن یک حکومت شیعی مبتنی بر تئوری مذهبی، در سیاسی شدن جمعیت شیعیان و اصطلاحاً آنچه بیداری شیعی و خیزش شیعه (Nasr, 2006): نامیده می‌شود، بر جمعیت‌های شیعی منطقه؛ آنان را به‌عنوان یک بازیگر داخلی در درون حکومت‌ها مطرح نمود. خودآگاهی شیعیان در عرصه اجتماعی - سیاسی درون کشورهای عرب و در ارتباط با مطالبه حقوق اجتماعی و دستیابی به منابع منزلت، اقتدار و ثروت، به مرور زمان حاکمان سنی را مجبور به پذیرش حقوق شیعیان و نقش آنان در عرصه‌های داخلی کرده است. همچنین بیداری جمعیت‌های شیعی و خودآگاهی و درک آنان از موقعیت خویش در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، آنان را تا حدی یک بازیگر بین‌المللی ارتقا داده است و در واقع ژئوپلیتیک شیعه را بیش‌ازپیش واقعیت بخشیده است؛ چرا که شیعیان در منطقه‌ای واقع شده‌اند که از لحاظ سیاسی و استراتژیک موقعیتی استثنایی در جهان دارد. این منطقه کانون اصلی منازعات در ۵۰ سال اخیر بوده است و با در اختیار داشتن منابع عظیم انرژی، دنیای صنعتی و بازارهای مصرف انرژی هر روز به آن محتاج‌تر است (نادری، ۱۳۹۰: ۱۸۳). امروزه نیز، شیعه در حوادث و رویدادهای کنونی در منطقه خاورمیانه سهم در خور توجهی دارد و تمام نگاه‌های سیاسی را به‌خود جلب کرده است. موفقیت‌های نامزدهای شیعیان در انتخابات کشور عراق، نقش محوری حزب‌الله لبنان در بسیج تظاهرات حمایت‌آمیز از سوریه، جنگ پیروزمندانه‌ی حزب‌الله برضد اسرائیل و فعال شدن جریان‌های مختلف شیعه و درخواست اصلاحات سیاسی توسط آنها در یمن و سایر تحولات کشورهای منطقه از جمله: مصر، افغانستان و آذربایجان بیانگر این واقعیت است که هویت سیاسی شیعه در منطقه در حال شکل‌گیری است (احمدی و حسینی نصرآبادی، ۱۳۹۵: ۲۰). از این رهگذر؛ هنگامی، قدرت شیعه و ژئوپلیتیکی حقیقی شیعه بر ما هویدا است که درکی از سرچشمه قدرت حقیقی شیعه داشته باشیم. در حقیقت، پتانسیل درونی اسلام شیعی و عواملی درونی این مذهب است که به‌خودی خود، زمینه‌های هژمونیک شدن آن را آسان کرده است. به همین جهت ژئوپلیتیک شیعه بدون توجه به عقاید و نمادهایش که ایدئولوژی آن را به‌وجود می‌آورد بی‌معناست. در این باره فرانسیس فکویاما می‌گوید: «شیعه پرنده‌ای است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست، پرنده‌ای که دو بال دارد. یک بال سبز و یک بال سرخ. بال سبز این پرنده همان مهدویت و عدالت‌خواهی است و بال سرخ شیعه، شهادت‌طلبی است که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فناپذیر کرده است. شیعه با این دو بال افق پروازش خیلی بالاست و تیرهای زهرآگین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و... به آن نمی‌رسد». او در تشریح بعد سوم شیعه می‌گوید: «این پرنده زرهی به نام ولایت‌پذیری بر تن دارد که آنها را شکست‌ناپذیر نموده است. ولایت‌پذیری شیعه که براساس صلاحیت شکل می‌گیرد، او را تهدیدناپذیر کرده است». در توضیح فناپذیری شیعه می‌گوید: «شیعه با شهادت دو چندان می‌شود. شیعه عنصری است که هر چه او را از بین ببرند بیشتر می‌شود». آنگاه در مهندسی معکوسش با ارئه یک تز می‌گوید: «ابتدا ولایت فقیه را بزیند. تا این را نزنید

نمی‌توانید ساحت قدسی کربلا و مهدی تجاوز کنید. در صورت تضعیف ولایت فقیه؛ رفاه‌طلبی، جای شهادت‌طلبی را می‌گیرد و پس از آن اندیشه‌ی عدالت‌خواهی و انتظار نیز از جامعه رخت برمی‌بندد» (fukuyama, 2003). اجمالاً هدف این مقاله پرداختن به یکی از منابع قدرت آفرین (نرم) ژئوپلیتیک حقیقی شیعه است. راهپیمایی مسالمت‌آمیز و عظیم اربعین حسینی به‌عنوان یکی از ارزش‌های والای معنوی و قدرت‌آفرین شیعی در زمره یکی از ارزش‌های شیعی است که فکویاما به درستی به آنها اشاره کرد. در واقع راهپیمایی اربعین نماد هر سه بال سبز، سرخ و ولایت است که جلوه‌ای از شکوه و عظمت ژئوپلیتیک حقیقی شیعه را نمایان می‌سازد.

چارچوب نظری

قدمت ژئوپلیتیک را به اندازه‌ی قدمت جستجوی انسان برای قلمرو، امنیت و نیز به اندازه‌ی قدمت دیپلماسی، استراتژی، حسادت و ترس دانسته‌اند. از ژئوپلیتیک تعاریف متعددی شده است. از نظر فرهنگ جغرافیای انسانی: «ژئوپلیتیک یک مفهوم قدیمی و بلندمدت است که در مطالعات جغرافیایی، فضا را از آن جهت که در فهم تأسیس روابط بین‌الملل اهمیت دارد مورد توجه قرار می‌دهد» (Johnston et al, 1994: 228). کلازادز^۱ در کتاب خود تحت‌عنوان: «ژئوپلیتیک در جهان متغیر» تعریف زیر را ارائه می‌دهد: «ژئوپلیتیک رویکرد ویژه‌ای به سیاست‌های جهانی است که بر اهمیت سرزمین و منابع تأکید می‌نماید» (Dodds, 2000: 162). در تعریفی کامل‌تر؛ ژئوپلیتیک علم مطالعه‌ی روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۷)؛ به‌طور اجمالی، در دنیای پسامدرن ژئوپلیتیک دیگر محدود به یک یا چند حوزه نیست. به تعبیری؛ ژئوپلیتیک، امروزه فقط موضوع رقابت کشورها با یکدیگر نیست. به‌عبارتی دیگر، رقابت برای سرزمین، گسترده‌تر از اعمال حکومت می‌باشد. ژئوپلیتیک چیزی بیش از جنگ و ایجاد امپراطوری است. ژئوپلیتیک می‌تواند شامل: منازعات نژادی درون شهرها، محدودیت‌ها روی جنبش زنان، دیپلماسی علیه انتشار گازهای گلخانه‌ای باشد. ژئوپلیتیک فقط در چارچوب حکومت‌ها مطرح نمی‌شود؛ افراد، جنبش‌های اعتراضی، سازمان‌های غیردولتی از قبیل صلح سبز، سازمان عفو بین‌الملل، اعمال تروریستی، شرکت‌های خصوصی و... در گروه ژئوپلیتیک‌اند. در واقع ژئوپلیتیک اعمال چندگانه و بازنمایی‌های بی‌شمار سرزمین‌های گوناگون است (فلینت، ۱۳۹۰: ۳۸). حال پرسش اساسی این است که آیا پدیده‌هایی با رویکرد فرهنگی و مذهبی می‌توانند از ماهیتی ژئوپلیتیک برخوردار شوند؟ آیا می‌توان چنین ادعا کرد که برخی مذاهب همچون تشیع در اثر شرایط و رویدادهای خاصی، بار سیاسی یافته و در صحنه‌ی رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش‌آفرینی می‌کنند؟ برای روشن شدن این موضوع باید این نکته را در نظر داشت که همان‌گونه که بیان شد؛ ژئوپلیتیک ابعاد و جنبه‌های متعددی دارد، به‌ویژه ابعاد این مفهوم از دید سیاسی، نظامی، اقتصادی و نیز، فرهنگی اهمیت دارد. ژئوپلیتیک فرهنگی یا «ژئوکالچر» خود جنبه‌های متعددی از جمله مذهب را شامل می‌شود، با توجه به نقش مهمی که در سیاست و زندگی بشر دارد، به‌عنوان یکی از مباحث مهم ژئوپلیتیک مطرح و مورد توجه است (مجتهدزاده، ۱۳۹۰: ۱۳۰). نقش‌آفرینی مذهب در سیاست و پیوند خوردن آن با مفهوم قدرت، تنها امری مربوط به زمان حال و

1. Klaus Dodd's

مذهب شیعه نیست. مذهب در گذشته نیز یکی از عوامل مؤثر در جداسازی مرزهای جغرافیایی بود. در قرن بیستم نیز کم‌وبیش نقش‌آفرینی عوامل مذهبی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و پدیده‌های ناشی از آن تداوم داشته است. در حال حاضر هم، ثبات سیاسی برخی از کشورها تا حد زیادی در ارتباط با توزیع فضایی مذهب و زبان است. در حقیقت، مذهب در کنار زبان، یکی از قوی‌ترین نیروهای مؤثر در کشورهای مستقل کنونی شمرده می‌شود. همچنین عامل مذهب هنوز دلیل وجود و بقای بسیاری از کشورهاست (جردن و روانتری، ۱۳۸۱: ۱۷۱). گلاسز نیز به نقش مذهب در پدیده‌های سیاسی اشاره می‌کند و برخی از موارد آن را برمی‌شمارد: ظهور ایرلند به دلیل وجود دو مذهب کاتولیک و پروتستان، سوریه به سبب وجود مسلمانان و مسیحیان، هند به دلیل وجود دو مذهب اسلام و هندو، فلسطین به واسطه‌ی وجود یهودیان و مسلمانان، نمونه‌هایی هستند که نقش‌آفرینی مذهب در آنها نمایان است. در هر کدام از این مناطق، زمانی که نقشه‌ی سیاسی دنیا و دوره‌های تاریخی منطبق با آن تغییر می‌کرد، گروه اقلیتی در واحدهای جدید شکل می‌گرفتند و بعضی از آنها مشکلاتی را در راه آمیزش با نظام ملی به وجود می‌آوردند (صحفی، ۱۳۸۰: ۵۵). اهمیت عامل دین و مذهب در برخی از مناطق مذکور به اندازه‌ای بود که موجب تجزیه‌ی همه‌جانبه و از بین رفتن اتحاد ملی شد. برای نمونه تجزیه‌ی شبه قاره‌ی هند به دو کشور پاکستان و هند تنها در اثر اختلاف بین مسلمانان و هندوها در سال ۱۹۴۷م. روی داد (سیف‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۷۹). در ارتباط با ایران نیز مذهب تشیع یکی از پایه‌های اساسی علت وجودی دولت- ملت ایران معاصر به‌شمار می‌آید (مجتهدزاده، همان: ۳۳۹).

توال در تحلیل کانون‌های نهضت شیعی از دو مفهوم ژئوپلیتیکی استفاده می‌کند؛

۱. ژئوپلیتیک داخلی که عبارت‌است از: گستره و شدت تاثیرگذاری هر جامعه شیعی بر مجموعه تحولات و سیاست‌های داخلی یک کشور؛ و ژئوپلیتیک خارجی که عبارت‌است از: قدرت تاثیرگذاری جامعه شیعی بر تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی (تالشان، ۱۳۸۹: ۹)؛

از نظر تاریخی مذهب تشیع از کشورهای عربی و به‌طور مشخص، از سرزمین عراق نشأت گرفت، اما به سرعت در ایران، پاکستان، افغانستان، بخش‌هایی از هند و دیگر کشورهای اسلامی وسعت فراوانی پیدا کرد. تشیع که از همان اوایل پدیده‌ای مذهبی - سیاسی بوده است تا دینی؛ از جمله اینکه، توسط ایرانیان در سده‌ی نخست اسلامی پشتیبانی شد که با تکیه بر آن با دستگاه خلافت وقت رویارویی کردند. فرانسواتوال، در بررسی خود در باره مفهوم ژئوپلیتیک شیعه اظهار می‌دارد که درگیری‌های اخیر در دنیا، همانند: انقلاب اسلامی ایران و یا رخدادهای لبنان شیعه‌گری را به صورت یک عامل ژئوپلیتیک در خط مقدم تحولات بین‌المللی قرار داده است (توال، ۱۳۸۷: ۶). روی هم‌رفته ژئوپلیتیک تشیع تنها به جهان اسلام، با همه وسعت آن مربوط نمی‌شود بلکه، دارای گستردگی بیش از آن است. به‌طوری که جان پی‌یرشه، وزیر دفاع سابق فرانسه معتقد است که: «مرکز ثقل جهان عرب در بیست سال گذشته، از مدیترانه به سوی خلیج فارس جابه‌جا شده است، یعنی از نواحی کاملاً سنی به سوی نواحی شیعه سنی تغییر مکان داده است» (همان: ۱۱).

روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش توصیفی- تحلیلی انجام گرفته است. اطلاعات مورد نیاز پژوهش، نیز بر اساس روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع معتبر گردآوری شده است.

یافته‌های پژوهش

• مفهوم شیعه و نظریات پیدایش آن

دو واژه «شیعه» و «تشیع» بر گرفته از ریشه «شیع» در زبان عربی‌اند. شیعه در لغت به معنی هوادار، مرید، دسته، پیرو، طرفدار و گروهی که بر امری یک سخن شوند (خضری، ۱۳۹۲: ۲۳). به بیان دیگر واژه تشیع از نظر لغت به معنای پیرو و انصار است و ریشه آن از مشایعت به معنای اطاعت و پیروی کردن است این واژه اختصاصاً در مورد افرادی بکار می‌رود که پیرو امیر مومنان علی^(ع) و فرزندان معصوم آن حضرت هستند و بر این عقیده هستند که امام علی^(ع) وصی و جانشین پیامبر اسلام از طریق نص شرعی تعیین می‌شود و امامت وی و دیگر امامان شیعه نیز از طریق نص شرعی ثابت شده است (احمدی و حسینی نصرآبادی، ۱۳۹۵: ۶). برخی نویسندگان غربی و شماری از پژوهش‌گران عرب برآند تا تشیع را فرقه‌ای انحرافی و برآمده از جنبش‌های سیاسی - تاریخی سده اول هجری بدانند، اما واکاوی روایات و مستندات تاریخی ما را با واقعیت‌های دیگری روبرو می‌سازد عده‌ای پیدایش شیعه را با حادثه سقیفه مرتبط می‌دانند، یعنی نخستین اجتماع مسلمانان پس از مرگ پیامبر^(ص) که برای تعیین جانشین وی برپا کردند. عده‌ای دیگر بر این باورند که شیعه پس از خلافت علی^(ع) پدید آمد. از نگاه این عده تشیع به معنای عام کلمه را پس از کشته شدن عثمان ظهور کرد و مردم را به دو دسته علوی و عثمانی تقسیم نمود. برخی نیز پیدایش شیعه را به جنگ جمل ارتباط داده و گفته‌اند؛ مراد شیعه، کسانی‌اند - که در جنگ جمل امام علی^(ع) را یاری رساندند. کسانی نیز، ظهور شیعه را با جنگ صفین مرتبط دانسته و شیعیان را در برابر کسانی چون خوارج، پیروان علی^(ع) شمرده‌اند. عده‌ای دیگر ظهور تشیع را به حادثه کربلا به عنوان نتیجه عملی و واکنش فوری جامعه در برابر امویان فرض کرده‌اند و پیدایش تشیع را نوعی ارج‌گذاری مذهبی اهل عراق بویژه کوفیان به امام علی^(ع) و خاندان پیامبر^(ص) دانسته‌اند. گروه دیگر تشیع را مذهب بر ساخته‌ی ایرانیان در برابر اعراب شمرده و بر این باورند که ایرانیان به دلایل و انگیزه‌های سیاسی و برای جلوگیری از سلطه اعراب که از طریق اسلام سنی درصدد غلبه بر آنان بودند به این مذهب روی آورده‌اند. در برابر این همه نظریه، شیعیان معتقدند که بنیاد مذهب تشیع به قرآن و سنت پیامبر^(ص) بازمی‌گردد و اندیشه شیعه چیزی نیست جز همان اسلام که پیامبر خدا عرضه کرده است و تشیع سیاسی حقیقتی از اسلام است (خضری، همان: ۳۷).

• ساختار اصلی تفکر سیاسی شیعه

اندیشه سیاسی شیعه چهار بُعد مختلف را یکجا در خود حفظ کرده است: ۱. الهی بودن؛ ۲. عقلانی بودن؛ ۳. انقلابی بودن؛ و ۴. مردمی بودن آن.

• روند سیاسی شدن شیعه/ از ژئوپلیتیک تا هلال

هرچند که هر دو مفهوم ژئوپلیتیک شیعی و هلال شیعی ساخته شده ذهن مخالفین قدرت‌یابی شیعه در منطقه و جهان است که به نظر در هر دو مفهوم هدف نهایی رواج شیعه هراسی است، ولی میان این دو واژه بابت تفاوت قائل شد. البته خارج از این مسئله باید گفت ژئوپلیتیک شیعی واقعیتی است انکارناپذیر مبنی بر قدرت منطقه‌ای شیعیان در

خاورمیانه که حتی اگر جهان غربی دست به ساخت و بازنمایی آن نمی‌زد، غیرقابل انکار بود. باید گفت، ژئوپلیتیک شیعه همانند هلال شیعی نیز ماهیت شیعه هراسانه دارد که به‌طور علمی نخست‌گریان آن را ساخته و پرداخته کردند. کسانی نظیر «توال» و «فولر» در زمره اول اشخاصی بودند که مفهوم ژئوپلیتیک شیعی را با نیت تذکر به کشورهای غربی، به جهت قدرت‌یابی شیعیان در آینده منطقه و حتی جهان (به‌خصوص ایران)؛ گوشزد کردند. البته چنین زنگ خطری، هم‌چندان خالی از منطق نبود، زیرا با وجود منطقه حساسی نظیر خاورمیانه (و در رأس آن خلیج فارس)، شیعیان با حداکثر جمعیت در این مناطق بیش از سنیان پتانسیل تهدید برای غرب به حساب می‌آیند. از چندین جنبه: تهدید امنیت انرژی غرب، تهدید امنیت اسرائیل و وجود کانون شیعه (ایران) در منطقه، ژئوپلیتیک شیعه مفهومی واقعی، اما تهدیدزا برای اعراب و به‌خصوص غرب است.

الف. نخست ژئوپلیتیک شیعی

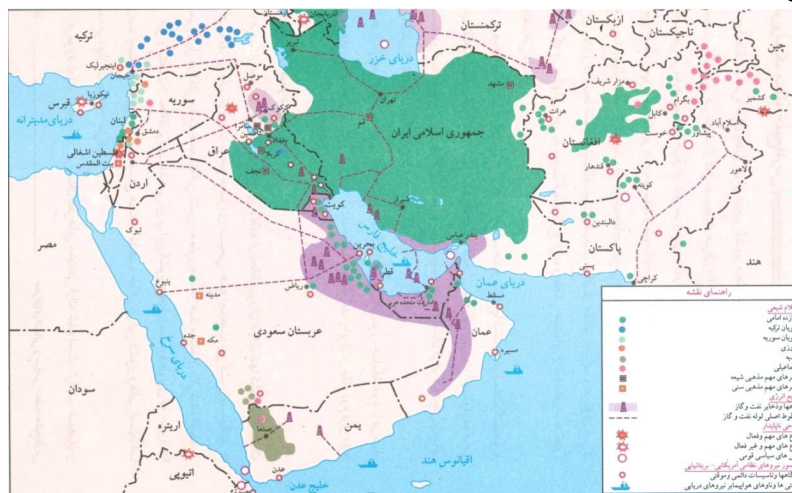
۱. ماهیت حکومت‌های شیعی، نسبت به حکومت‌های سنی

به‌طور مشخص اغلب کشورهای سنی (به‌خصوص کشورهای عربی خاورمیانه) دارای رژیم‌های مرتجع و وابسته‌اند. متتها، رویکرد اصلی کشورهای مرتجع پادشاهی عرب در خصوص تحولات منطقه، حفظ رژیم‌های سیاسی و ممانعت از تغییر آنها و به‌طورکلی حفظ سیاست وضع موجود می‌باشد؛ تبعیض، فقر، فساد، توزیع ناعادلانه ثروت، عدم برخورداری از امکانات رفاهی و معیشتی در کنار نبود آزادی‌های اجتماعی و مدنی، سرکوب و خفقان سیاسی در نظام‌های بسته سیاسی و ناکارآمدی دولت‌های ناحیه از مهمترین عوامل تاثیرگذار در قیام‌های مردمی کشورهای خاورمیانه بوده که منجر به سرنوشتی برخی از حکام مستبد و خودکامه منطقه گشته است (جعفری و منفرد، ۱۳۹۰: ۵۲). از این سو، خیزش عراق به سمت دموکراسی، اعتراضات مردمی بحرین، وقایع لبنان، مسائل یمن و... همگی دالی از ادراکات مردم و رهبران تشیع جهت تحقق حکومت‌های مردم‌نهاد و مردم‌سالار است. به تعبیری جنبش‌های مردم‌نهاد شیعی در بیشتر کشورهای خاورمیانه ترسی از واگرایی و تنش‌های حاکمیتی رهبران سنی با مردم خود را به‌وجود آورده است. چنانچه، گراهام فولر اغراق شیعه‌هراسی را نتیجه تلاش‌های رهبران اقتدارگرای عربی برای حفظ خودشان در رأس قدرت می‌داند. فولر می‌گوید: «شکاف واقعی بین رهبران اقتدارگرای سنی و شهروندانشان است» وی ظریف‌ترین دام کشورهای عربی را «دام مشروعیت» می‌داند (Fuller, 1996: 102).

۲. پراکندگی جمعیت شیعه در مناطق راهبردی انرژی

در ارتباط با ژئوپلیتیک شیعه، امروزه، یکی از چالش‌های دول غرب آمریکا حضور حداکثری شیعیان در مناطق نفت‌خیز خلیج فارس و خاورمیانه است. این مسأله را می‌توان تطبیق «ژئوپولیتیک انرژی» با «ژئوپولیتیک شیعه» دانست. در واقع رابطه نزدیکی بین منابع نفت و گاز خاورمیانه با مناطق سکونت شیعیان وجود دارد، به‌طوری که ۸۰ درصد جمعیت بومی خلیج فارس را شیعیان تشکیل می‌دهد در حالی که سه‌چهارم ذخایر نفتی جهان در این منطقه وجود دارد. مروری بر مناطق نفت‌خیز جهان نشان می‌دهد که خاورمیانه با اختصاص ۲۳ درصد جمعیت جهان به‌خود؛ ۳۰ درصد منابع معدنی جهان، ۷۴ درصد ذخایر نفتی خام جهان و ۵۰ درصد از ذخایر کشف شده گاز طبیعی را در خود جای داده است (کاویانی‌راد و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۰۷). به‌طور مثال، در عربستان سعودی شیعیان روی بزرگترین حوزه نفتی این کشور در منطقه شرقی شامل شهرهایی چون: قطیف و الاحساء زندگی می‌کنند و عملاً بخش اعظم کارهای

اجرای نفت را شیعیان انجام می‌دهند. افزون بر عربستان، در کشورهای عمان، عراق، بحرین، امارات، کویت و قطر نیز شیعیان در مناطقی زندگی می‌کنند که از مهمترین مراکز نفت خیز منطقه به‌شمار می‌آیند (متقی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰-۱۱). فولر معتقد است که: «واشنگتن در درازمدت به انرژی نیاز دارد. از آنجایی که این انرژی در خاورمیانه و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و منطقه‌ی شیعه‌نشین واقع است، دولت آمریکا باید با شیعیان منطقه وارد مذاکره شود تا در درازمدت منافع خود را حفظ کند» (نکویی، ۱۳۸۸: ۳۷).



نقشه ۱: پراکنندگی جمعیت شیعیان و منافع نفت و گاز

منبع: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷: ۵۵

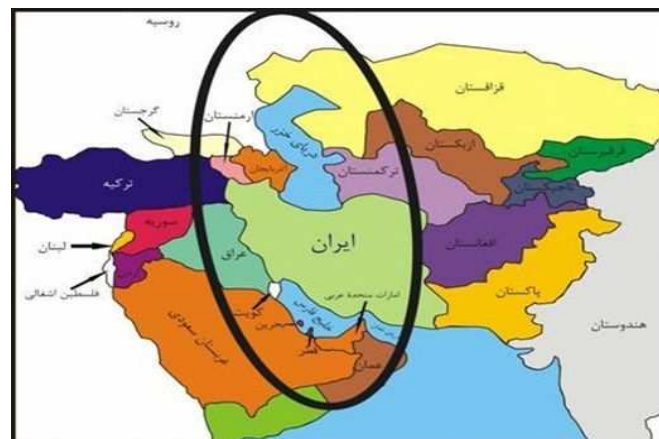
۳. مسئله امنیت اسرائیل

یکی از دغدغه‌های مهم آمریکا در منطقه خاورمیانه و در مواجهه با ژئوپلیتیک شیعه، تضمین امنیت و ثبات اسرائیل است. چنانچه برژینسکی می‌گوید: «ما هرگز اسرائیل را رها نخواهیم کرد. ادامه حیات و امنیت اسرائیل غیرقابل برگشت است و یک تعهد اخلاقی همیشگی برای آمریکا محسوب می‌شود».

امنیت اسرائیل همواره از دغدغه‌های آمریکا بوده و هم اکنون نیز هست؛ ولی شاید بتوان گفت ظهور حوادثی نظیر جنگ ۳۳ روزه که به نوعی باور شکست‌ناپذیری اسرائیل و امنیت این رژیم را به حاشیه رانده است، باعث شده آمریکا بیش از این به مسئله امنیت اسرائیل حساس باشد. بی‌شک جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان و اسرائیل در تابستان ۲۰۰۶، یکی از مواردی بود که در ترسیم ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه و ژئوپلیتیک شیعه بسیار موثر واقع افتاد. اهمیت این جنگ به این خاطر بود که یک سازمان چریکی توانست با یکی از پیشرفته‌ترین ارتش‌های جهان مبارزه کند، کاری که از دست هیچ‌یک از ارتش‌های عربی برنیامد. این جنگ توازن قدرت در لبنان را به نفع حزب‌الله و در خاورمیانه به نفع محور مقاومت (ایران، سوریه، حماس و جهاد اسلامی) تغییر داد و پدیده‌ای به نام «ژئوپلیتیک مقاومت» را در ادبیات سیاسی منطقه ریموند وارد کرد (نادری، ۱۳۹۱: ۳۳۲). به‌طورعام، یکی از اهداف آمریکا انحراف اذهان تصمیم‌گیرندگان کشورهای مسلمان با بزرگ‌نمایی تهدید شیعیان از مسئله اسرائیل و ایجاد فضای تنفسی جدید با مهار شیعیان و زنجیره مقاومت در منطقه برای اسرائیل است (جاودانی‌مقدم، ۱۳۹۱: ۴۸).

۴. مهار ایران به‌عنوان کشور پیشروی شیعیان

مرجع شیعه‌هراسی در طول تاریخ همواره کشور ایران بوده و ابراز ترس از شیعیان سایر کشورها نیز عملاً به خاطر پیوندهای واقعی یا خیالی آنها با ایران بوده است (خواجه‌سروری و بهرامی، ۱۳۹۳: ۸۶). تلقی امپریالیستی ایران از آمریکا و به‌عکس، آمریکا از ایران به‌عنوان یک کشور شیعی با نقش‌آفرینی‌های متفاوت در مناطق خزر، خلیج‌فارس، آسیای مرکزی و عراق، موجب تلقی تهدیدآمیز دو کشور از همدیگر شده است (خلیلی، ۱۳۸۳: ۳۳۴). همچنین که پیوندهای معنوی میان جمهوری اسلامی ایران و ملت‌های شیعه در خاورمیانه به یکی از مهمترین موضوعات استراتژیک سیاست خارجی غرب در این منطقه تبدیل شده است. غیر از این از دید جغرافیایی، ایران یکی از وسیع‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشورهای منطقه است که با موقعیتی منحصر به فرد بین دریای خزر و خلیج‌فارس قرار گرفته است و بنابراین می‌تواند به یک کانون قدرتمند و مستقل ژئوپلیتیک با نفوذ، قابل توجه بر همسایگانش تبدیل گردد (کوهن، ۱۳۸۷: ۷۱۵). از نظر سران کاخ سفید وجود کشور مسلمان و نیرومندی چون ایران، میان دو منبع انرژی (خزر و خلیج‌فارس) که ۶۸ درصد منابع انرژی جهان را به‌خود اختصاص داده است، برای استراتژی، منافع و امنیت ملی غرب در قرن بیست و یکم خطرناک است (خلیلی، همان: ۲۵۲). لذا، همان‌طور که در نقشه فوق (شماره ۲) مشاهده می‌کنیم بیشتر حجم ذخایر نفت و گاز جهان در حوزه استقرار شیعیان و به ویژه اطراف کشور ایران به‌عنوان کانون اصلی شیعیان واقع شده‌اند و این امر در کنار اهمیت ذخائر کشور ایران، اهمیت استراتژیک و مرکزی آن در منطقه انرژی را نشان می‌دهد.



نقشه ۲: هارتلند ژئوپلیتیک انرژی با محوریت ج.ا. ایران

منبع: به اقتباس از بیضی انرژی جغرافیایی کمپ

موقعیت مرکزی ایران، امکان بهره‌بری از این وضعیت را در اقدامات سیاسی، نظامی و اقتصادی فراهم می‌سازد. از نظر ژئوپلیتیکی، قرارگیری در مرکز منطقه اصلی انرژی جهان و دارا بودن جایگاه قابل توجه در ذخائر نفت و گاز، در جمع با موقعیت حد واسط شرق - غرب و شمال - جنوب و اتصال منطقه انرژی آسیای مرکزی به آب‌های آزاد و اروپا، همگی سبب ارتقای وضعیت و جایگاه ژئوپلیتیکی ایران نسبت به دیگر تولیدکنندگان نفت و گاز می‌شود (متقی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴).

ب. دوم: هلال شیعی

گذاز از ژئوپلیتیک به هلال/ طراحی مدل شیعه هراسی

همان‌طور که گفته شده هر دو مفهوم ژئوپلیتیک و هلال شیعی ماهیت شیعه هراسانه دارند که از سوی دول غربی و برخی از سران کشورهای مرتجع عربی طرح شده است. با وجود این طرح ژئوپلیتیک شیعی با هر نیتی هم که بوده باشد واقعیتهای انکارناپذیر از حقیقت قدرت شیعیان در منطقه‌ی خاورمیانه است. به سبب همین واقعیت بود که دیری نپایید ماهیت ژئوپلیتیک به «هلال شیعی» رسماً در محافل سیاسی و دانشگاهی به شکل نوینی در پی بروز حوادثی (به خصوص تحولات عراق و لبنان و پس از آن بیداری‌های عربی) مطرح شد. لذا در اینجا به‌طور اختصار لازم است جهت تفهیم بهتر موضوع و تفکیک این واژه‌گان، زمینه‌های طرح هلال شیعی بررسی و مورد ارزیابی قرار گیرد. به نقل از مارتین کرامر، محقق اسلام ستیز آمریکایی، در «مجموعه مقالات تشیع، مقاومت و انقلاب»، به‌طور ضمنی در مورد اهمیت عنصر ژئوپلیتیک شیعه چنین آمده است: «در دوران معاصر، تشیع برخی از قوی‌ترین مفاهیم طغیان انقلابی را پدید آورده است» (Kramer, 1984: 36).

این پرسش که به‌کارگیری اصطلاح «هلال شیعی» یا «ژئوپلیتیک شیعی» برای نخستین بار توسط چه کسی و با چه اهدافی صورت گرفته است، پرسشی است که پاسخ قطعی برای آن وجود ندارد. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که کاربرد این واژه باید به زمان‌های خیلی دور یعنی ابتدای دوران اسلام منتسب کرد، برخی نیز در دوران حکومت آل‌بویه و نیز در دوران صفویان، را اوج کاربرد این واژه می‌دانند (کیانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

می‌توان گفت در دوران مدرن با فروپاشی کمونیسم، غرب برای حفظ همبستگی درونی خود و تداوم تسلط بر جهان نیاز داشت «خود» را در مقابل «دیگری» بنشانند. «احتشامی» معتقد است غربی‌ها بعد از جنگ سرد، بنیادگرایی اسلامی را که برای آنها با اسلام سیاسی یکی بود، جایگزین کمونیسم کردند تا از این طریق، خلأ دشمن کمونیستی را پر کنند (احتشامی، ۱۳۸۱: ۱۲۶). بعد از پایان جنگ سرد، «فرانسیس فوکویاما» تز «پایان تاریخ» را مطرح و عنوان کرد لیبرال دموکراسی برای همیشه پیروز شده است. «هانتینگتون» با برگرفتن رویکرد فرهنگی - تمدنی در مقابل این ادعا، بحث را به «جنگ تمدن‌ها» کشاند و گفت که عصر اختلافات ایدئولوژیک به سر رسیده و از این به بعد، شاهد برخورد تمدن‌ها خواهیم بود. «ولی نصر» با بهره‌گیری از مدل هانتینگتون در سطحی خردتر، بحث برخورد درون تمدنی (بین شیعه و سنی) را مطرح نموده و معتقد است حضور آمریکا در عراق به ایجاد بلوک‌بندی جدید بین اسلام قدیم (اهل تسنن) و اسلام جدید و نوظهور (اهل تشیع) انجامیده است (Nasr, 2006: 63). در واقع، بحث «هلال شیعه» نیز بر همین اساس مطرح شد. البته باید گفت قبل از ولی نصر؛ «صفرالحولی»، یکی از علمای وهابی عربستان، در سال ۱۹۹۱ و پس از قیام شیعیان جنوب عراق، نسبت به شکل‌گیری یک قوس رافضی شامل شیعیان افغانستان، پاکستان، ایران، علوی‌های ترکیه و سوریه و شیعیان لبنان هشدار داده بود و بیان کرد که نگرانی وهابی‌های عربستان از تشیع، مسئله‌ای عقیدتی است، آنها معتقدند نیروی شیعه می‌تواند بر شیعیان خلیج فارس، به‌ویژه شیعیان عربستان، نفوذ کرده و در نتیجه شیعه‌گری موجب تهدید موقعیت اهل سنت شود (ضرغامی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۱۰).

با این همه پس از اشغال عراق به وسیله آمریکا، نظمی که قبلاً بر منطقه حاکم بود، فرو ریخت و نوعی سردرگمی ایجاد شد. در حین این سردرگمی، واژه «هلال شیعی» را نخستین بار، «ملک عبدالله» پادشاه اردن در سال ۲۰۰۴، برای به

تصویرکشیدن نوار گسترده‌ای که به نظر وی در نتیجه حمله آمریکا به عراق به منظور دمکراسی‌سازی در این کشور، شکل گرفته است، به کار برد. این بار، تفاوت در این بود که برای اولین بار در جهان عرب سنی، یک دولت عربی شیعه شکل می‌گرفت؛ این مسئله مورد توجه بسیاری از سیاست‌گذاران از یک سو، و اندیشمندان از سوی دیگر قرار گرفت؛ در واقع، دو ادعا به طور هم زمان مطرح شدند: نخست، قدرت‌گیری شیعه در منطقه به شکل‌گیری یک بلوک شیعی منجر شده است و دوم، این بلوک شیعی، توسط تهران هدایت خواهد شد (Walker, 2006: 16). از دید ملک عبدالله: «اگر احزاب یا سیاستمداران طرفدار ایران بر دولت جدید عراق مسلط شوند، یک «هلال» جدید شامل جنبش‌ها یا حکومت‌های مسلط شیعه از ایران تا عراق، سوریه و لبنان، ظاهر خواهد شد که موجب برهم زدن موازنه قوای موجود میان شیعه و سنی شده، چالشی جدید برای منافع آمریکا و متحدانش خواهد بود. لازم است برنامه‌ریزان راهبردی در دنیا باید درخصوص این احتمال، آگاهی داشته باشند. چند ماه بعد در سپتامبر ۲۰۰۵، وزیر خارجه عربستان سعودی در سفر به آمریکا از نگرانی دولت متبوعش درخصوص آنچه وی، آن را «تحویل عراق به ایران» در نتیجه حمله آمریکا به این کشور نامید، سخن راند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷: ۱۶۳). سپس در ماه آوریل ۲۰۰۶، رئیس‌جمهور مصر در مصاحبه با شبکه العربیه، ضمن این ادعا که اکثریت شیعیان ساکن کشورهای عربی به ایران وفادارترند تا کشور خود، گفت: «ایران بر شیعیان عراق که ۶۵ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، نفوذ دارد» (ذوالفقاری و پورمحمدی، ۱۳۹۴: ۱۲۱). با این همه، اندیشمندان و محققان در تفسیر تبعات اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، توسط نیروهای آمریکایی از پدیده قدرت‌گیری شیعیان نام برده، برای توصیف این پدیده از مفاهیمی مانند: «احیای شیعه»، «خیزش شیعه»، «محور شیعه»، «پان شیعیسم»، «بین‌الملل شیعه»، «رنسانس شیعه»، «بلوک شیعه»، «امپراتوری شیعه»، و «بیداری شیعه»، استفاده کرده‌اند؛ البته هشدار نسبت به شیعه از پیش وجود داشته و به‌طور عمده، سنی‌های وهابی عربستان به این امر دامن زده‌اند. این امر سبب شد که حاکمان کشورهای عرب منطقه برای فشار بر ایران، خود را به سمت آمریکا و غرب نزدیک کنند و از سویی دیگر با پرداختن و بزرگ کردن این موضوع، بتوانند جلوی موج آزادی‌خواهی در کشورهای عربی منطقه را بگیرند.

در حقیقت آنچه موجب شد بحث «هلال شیعی» از طرف حکام سنی منطقه مطرح شود، دو عامل مهم بوده است. یکی رهایی از چالش اصلاحات طرح خاورمیانه بزرگ و دیگری حفظ جایگاه خود و ترساندن مردم منطقه از کشور ایران (ضرغامی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۱۱). این دیدگاه‌ها مبتنی بر وابستگی شیعیان کشورهای حوزه خلیج فارس و سایر کشورها به ایران، موجب توجیه اعمال محدودیت علیه جمعیت‌های شیعه کشورهای عربی بود. حاکمان این کشورها به دلیل ترس از قدرت یافتن شیعیان، نه تنها بر هویت سنی کشورشان تأکید می‌کردند، بلکه خشونت را برای به انزوا کشیدن شیعیان کشورشان به کار می‌بردند. بیشتر از همه، صدام حسین از کشتار، قتل، دستگیری و شکنجه شیعیان استفاده می‌کرد (Nasr, 2004: 11). به‌طور اساسی، از منظر هویتی، ارتباط مذهب و سیاست در خاورمیانه، بیش از دیگر نقاط مشاهده می‌شود و یکی از مهم‌ترین عوامل سازنده سیاست‌های داخلی و خارجی در این منطقه، هویت دینی است؛ به بیان دیگر، جدایی دین از دولت، آنچنان‌که در غرب نمودار شد، در خاورمیانه رخ نداد و بسیاری از حاکمان منطقه، داعیه رهبری دینی دارند؛ پادشاه مراکش خود را امیرالمومنین و پادشاه عربستان سعودی، خود را خادم‌الحرمین می‌داند، در نتیجه، بدون در نظر گرفتن مذهب، درک روندهای سیاسی و اجتماعی در این منطقه، ممکن نیست. بی‌شک رقابت‌های گفتمانی درون دینی در صورتی که از

حدود خود خارج شود در روابط کشورها منطقه از یک سو، ثبات و صلح در منطقه و از سوی دیگر، تأثیر منفی خواهد داشت و اختلافات قومی و مذهبی را در کشورهای منطقه تشدید می‌کند (کیانی و دیگران، همان: ۱۱۲).

• تفکر و اندیشه‌های شیعه در اثر جهانی شدن

ایدئولوژی و تفکر شیعه خصوصاً جریان اصلی شیعه امامیه با نگرش عدالت‌خواهانه و مشیت‌گرایانه، پویایی لازم را برای تغییر و تحول لازم در سیاست بین‌الملل در عصر حاضر فراهم می‌آورد. هانری کربن شیعه شناس معروف فرانسوی معتقد است: «جامعه شیعه به موازات تحولات تاریخی‌اش، همواره یک دید پیشگویانه و غیب‌گویانه از جهان و تاریخ را ترویج کرده است» (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۱۴۶). با شکست ایدئولوژی‌های ناسیونالیسم و سوسیالیسم در پایان دهه‌ی ۶۰ میلادی اسلام شیعی به‌عنوان یک ایدئولوژی سیاسی بعد از افول ایدئولوژی‌های ملی‌گرایی و سوسیالیسم در نیمه دوم قرن بیستم در جوامع اسلامی رونق گرفت. از آن تاریخ به‌تدریج اسلام‌گرایان شیعی فرصت یافتند تا به نیرویی دست اول تبدیل شوند. اوج این روند انقلاب اسلامی ایران بود. در واقع، انقلاب اسلامی ایران باعث برانگیخته شدن شیعیانی شد که به‌عنوان بخش خاموش جامعه مسلمانان تا آن زمان هیچ‌گونه نقشی در سرنوشت خود و در ساختار سیاسی کشور خود نداشتند. در اثر انقلاب اسلامی، شیعیان جرأت و شجاعت خود را بازیافتند و پس از یک دوره فترت و سستی، از خواب غفلت، بیدار شده و هویت تازه‌ای یافتند (احمدی و حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۵۶). این انقلاب جنبش‌های خفته را بیدار نمود، بیداری‌های کم‌تحرک را سامانی دوباره بخشید و حتی در برخی موارد جنبش‌های پر تحرک را به سوی ایدئولوژی جدید فراخواند (درخشه و جمیری، ۱۳۹۰: ۳۹). بی‌شک در دوران معاصر، تشیع برخی از قوی‌ترین مفاهیم طغیان انقلابی را پدید آورده است. جنبش‌های شیعه امروزه استراتژی‌های سیاسی فوق‌العاده‌ای ابداع آورده‌اند که غالباً موجب شگفتی و حیرت دنیای اسلام و غرب شده است. از این رو در این چند دهه، اسلام شیعی قابلیت خود به‌عنوان ایدئولوژی سیاسی پیش‌ازپیش نمایان ساخته است (توانا و سلیمان، ۱۳۹۱: ۷۹۳). به‌طور کلی، چنانچه - هویت شیعی برای تقویت عوامل مقاوم و بازدارنده، با واقع‌بینی و شناخت صحیح در جهت بهره‌گیری مطلوب و تعادل سازنده با سایر فرهنگ‌ها خود را آماده کند و هویت پویا و با استحکامی برای عقاید، باورها و رفتارهای مذهبی خود فراهم کند، خواهد توانست از یک فرصت جهانی برای رشد و گسترش فرهنگ شیعی خویش، استفاده نماید. در عصر جهانی شدن، باید ادعا کرد که شیعه می‌تواند مهمترین بازیگر در تاریخ خاورمیانه مدرن باشد (Gerecht, 2004: 18). روی‌هم‌رفته، حقیقت تشیع در صورتی که بر زبان روز و با در نظر گرفتن شرایط جهانی با استفاده از منابع غنی شیعه تبلیغ و ترویج شود، و از ابزارهای جهانی همچون ماهواره، اینترنت و نظام‌های اطلاعاتی جهان شمول بهره‌جوید، شیعه قادر خواهد بود که عقاید، باورها و ارزش‌های ناب و بشر دوستانه خود را در کنار سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها تبلیغ و هویت واقعی خود را در جهان تثبیت نماید.

شیعه به‌عنوان یک مذهب به‌هیچ‌وجه محلی و منطقه‌ای نیست و از یک اندیشه جهانی و عام‌گرا برخوردار است و باید اذعان کرد فقط تشیع است که مبانی نظری امیدبخشی را برای برخورد با مسئله بروزکردن اسلام دارد (فولر، ۱۳۷۷: ۳۱۱).

• اهمیت و نقش نمادهای شیعی (راهپیمایی اربعین) در جهانی‌سازی ژئوپلیتیک شیعه

قدرت شیعیان تابع متغیرهای فراوانی نظیر میزان سازمان یافتگی و انسجام سیاسی، رهبری، دینی و سیاسی، میزان آگاهی و

از همه مهم‌تر ماهیت اعتقادات دینی و مذهبی می‌باشد. بی‌شک ژئوپلیتیک شیعه بدون توجه به عقاید و نمادهای آن که پدید آورنده ایدئولوژی مذهبی آن است بی‌معناست. شناخت ژئوپلیتیک شیعه هنگامی میسر است که منابع واقعی قدرت‌ساز ژئوپلیتیک شیعه را بشناسیم. منابعی که برگرفته از اعتقادات، پایه و اصول ناب مذهبی و ایدئولوژی شیعی است. چنانچه این منابع قدرت‌ساز در اعصار گذشته؛ از مقاومت شیعیان مقابل دستگاه خلافت اموی، تا جنبش‌های شیعی ابومسلم و سریداران و حکومت فراگیر صفوی بر پایه هویت و منابع ارزشی شیعی توانست شیعه را به‌صورت یک مذهب منسجم و یکپارچه مطرح سازد. در عصر مدرن؛ نخستین جرقه‌ی شیعه‌گری و انقلاب‌های مردم سالار و حق‌طلبانه، با انقلاب ایران و به رهبری حضرت امام خمینی^(ره)، آغاز شد و با پیروزی شیعیان عراق (۲۰۰۳ م.) و حزب‌الله لبنان (۲۰۰۶ م.)، در مقابل محور «غربی-عربی» و اختاپوس وهابیت، در پی بیداری روزافزون ملل اسلامی است؛ به‌گونه‌ای که پس از این حوادث عنصر شیعه در تکاپوی انقلاب‌های منطقه‌ای خاورمیانه (بحار عربی) و هم‌اکنون با پیروزی در سوریه و عراق (۲۰۱۷ م) تحت عنوان محور مقاومت به راه پرفراز و نشیبش ادامه می‌دهد.

با توجه به مبادی نظری اعتقادی شیعه می‌توان گفت تشیع، آموزه‌ها و نمادهایی دارد که با به حاشیه‌راندن قرائت‌های محافظه‌کارانه و به متن آوردن قرائت‌های رادیکال یا انقلابی؛ تبدیل به یک ایدئولوژی شده است (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۱۶۲). یکی از این نمادهای ایدئولوژیک قدرت‌ساز، بزرگترین گردهمایی جهان، یعنی اربعین حسینی است. واژه اربعین دارای مبنای فرهنگی متعددی برای شیعیان است؛ در فرهنگ اسلامی بر عدد چهل، تاکید و سفارش بسیار شده و در مناسبت‌های مختلف بر آن تکیه شده است؛ مثلاً کمال عقل انسان در چهل سالگی، آثار چهل روز اخلاص در عمل، حفظ چهل حدیث، دعای چهل نفر مومن برای انسان، قرائت استجابت دعای عهد در چهل صبح، پذیرفته نشدن نماز شراب‌خوار تا چهل روز، گریه چهل روزه آسمان و زمین و فرشتگان برای امام حسین^(ع) و استحباب زیارت اربعین، از جمله مواردی است که اهمیت عدد چهل را در فرهنگ اسلامی و معارف شیعی می‌رساند (پیشوایی، ۱۳۹۴: ۱۵). غیر از این، اربعین در فرهنگ شیعه جایگاه بسیار والا و ارزشمندی دارد و در میان مسلمانان به ویژه شیعیان بیرق استقامت در راه دین است؛ از این رو یکی از سنت‌های اربعین در میان شیعیان برگزاری راهپیمایی در این روز است. راهپیمایی اربعین تجلی قدرت شیعیان در عصر جدید جهانی است. راهپیمایی در فرهنگ‌های مختلف یک حرکت انقلابی و سیاسی به شمار می‌آید؛ اما این راهپیمایی بیانگر زند بودن ماجرای کربلا و عاشور است که پیام آن ایستادن در مقابل ظلم تا پای جان است که براساس روایت‌هایی که برای این روز وجود دارد به‌عنوان یکی از آموزه‌های شیعیان تبدیل شده است. اربعین حسینی بزرگترین همایش اعتقادی انسانی (جدول شماره ۱) بر روی کره زمین، اکنون در اختیار شیعیان است. زیارت اربعین به قدری در پاسداشت مقام سیدالشهدا^(ع) تأثیر داشته که زیارت اربعین که ابتدا به چند ده نفر محدود می‌شد، اما، امروزه به حضور میلیونی زائران حسینی در کربلا تبدیل شده است (پورامینی، ۱۳۹۲: ۷۵)؛ و از نظر جمعیت شرکت‌کننده از کنگره عظیم حج که با حضور حداکثر ۴ میلیون مسلمان برگزار می‌شود پیشی گرفته است. چند سالی است که جمعیتی پنج برابر حج تمتع، در زیارت اربعین امام حسین^(ع) گرد هم می‌آیند؛ و در حالی که حاجیان، هر سال حداکثر ۲۰ کیلومتر پیاده روی دارند؛ شیعیان عراق و کشورهای دیگر، از شهرها و مناطق مرزی مختلف این کشور مانند: منذیه بصره، ناصریه و نعمانیه گاهی حدود ۴۰۰ کیلومتر را پیاده طی می‌کنند تا به نجف اشرف و کربلا برسند (زارع خورمیزی، ۱۳۹۲: ۳۰۹).

در این این ایام، عشایر حاشیه رود فرات در ایام مراسم پیاده‌روی چادرهای بزرگی که به آنها موکب یا مضيف می‌گویند؛ در این مسیر برپا می‌کنند و زائران را برای پذیرایی و استراحت در آنها جای می‌دهند (آبادزی، ۱۳۹۳: ۱۶۲). عشایر و اجتماعات مذهبی بومی، موکب‌های بسیاری برپا می‌کنند و رایگان به زائران ارائه خدمات می‌کنند. مدیریت موکب‌ها به شکل کاملاً مردمی و مستقل از دولت انجام می‌شود (مظاهری، ۱۳۹۵: ۱۰۰). به‌طور کلی در عظمت این راهپیمایی باشکوه باید گفت؛ این تظاهرات و راهپیمایی مردمی، به این شکل و روش و با این هدف بلند و والا چیزی است که اهل دنیا را به حیرت و شگفتی واداشته و مردم به حقیقت تشیع و روحیه پایداری و مقاومت و محبت در آن پی‌برده‌اند. همچنین این تجمع عظیم نشان می‌دهد که شیعیان با مدیریتی قوی و سازمان‌دهی تشکیلات خود، از اصول و عقاید خویش محافظت می‌کنند و از این حیث، دیدگاه واحد دارند؛ چندان که قدرتمندان و حاکمان خودسر و زورگو نتوانند در این تشکیلات نفوذ کنند و اثر بگذارند (حسینی جلالی، ۱۳۹۳: ۴۴). اجماًلاً امروزه، کربلا به‌عنوان مرکز و ثقل مقدسی برای تجمع شیعیان عاشق از اقصی نقاط جهان می‌تواند موجب وحدت و یکپارچگی و تقویت روحیه جهاد و شهادت در بین شیعه شده و آرمان‌های شیعه را فارغ از قید و بندهای قومی و منطقه‌ای در پیوند با ژئوپلیتیک شیعه دنبال می‌کند. این راهپیمایی معنوی عظیم، شکلی از اتحاد و یکپارچگی شیعیان را به‌وجود آورده است، به‌طوری که اربعین حسینی به روز جهانی وحدت مسلمانان در مقابل جریان‌های استکباری و تکفیری تبدیل شده است. نکته مهم این است که، هر سال بر تعداد شرکت‌کنندگان و همچنین تعداد کشورها و مذاهب دیگر نیز در این مراسم افزوده می‌شود؛ این امر باعث اتحاد و یک نماد صلح جهانی در بین مسلمانان و شیعیان تبدیل شده است و نقش گسترده‌ای بر قدرت نرم شیعیان و اتحاد آنها داشته است.

جدول ۱: بزرگترین اجتماعات مسالمت‌آمیز شیعه جهان

| | |
|----|---|
| ۱ | اجتماع ۲۰ میلیون نفری شیعیان در کربلا در نوامبر ۲۰۱۶ در روز اربعین (۱۴۳۸ قمری) |
| ۲ | اجتماع ۲۰ میلیون نفری شیعیان در کربلا در دسامبر ۲۰۱۵ در روز اربعین (۱۴۳۷ قمری) |
| ۳ | اجتماع ۲۵ میلیون نفری شیعیان در کربلا در دسامبر ۲۰۱۴ در روز اربعین (۱۴۳۶ قمری) |
| ۴ | اجتماع ۲۰ میلیون نفری شیعیان در کربلا در ژانویه ۲۰۱۳ در روز اربعین (۱۴۳۵ قمری) |
| ۵ | اجتماع ۲/۵ میلیون نفری شیعیان در راجارابازار راولپندی پاکستان (۲۴ دسامبر ۲۰۱۳) |
| ۶ | اجتماع ۱۵ تا ۱۸ میلیون نفری شیعیان در کربلا در سال ۲۰۱۲ در روز اربعین (۱۴۳۴ قمری) |
| ۷ | اجتماع ۱۵ میلیون نفری شیعیان در کربلا در سال ۲۰۱۱ در روز اربعین (۱۴۳۳ قمری) |
| ۸ | اجتماع ۱۰ تا ۱۴ میلیون نفری شیعیان در کربلا در سال ۲۰۱۰ در روز اربعین |
| ۹ | اجتماع ۱۰ تا ۱۴ میلیون نفری شیعیان در کربلا در سال ۲۰۰۹ در روز اربعین. |
| ۱۰ | اجتماع ۵ تا ۹ میلیون نفری ایرانیان در تشیع و تدفین امام خمینی (ره) در ۱۹۸۹. |

امروزه، ظرفیت‌ها و کارکردهای عظیم اربعین که ذهن بسیاری از اندیشمندان و رسانه‌های غربی را به خود جلب کرده است دارای پیامدهای قدرتی، هویتی و اتحاد فراوان است که برخی از پیامدهای آن را می‌توان در قالب چند بند به شکل زیر بیان داشت:

۱. **فرامذهبی بودن مراسم اربعین:** این مراسم تنها اختصاص به شیعیان ندارد، بلکه در این مراسم بسیاری از پیروان اهل سنت، مسیحیت، یهودیت، ایزدی‌ها و صائبی‌های عراق نیز شرکت می‌جویند و این نشانگر این است که شرکت‌کنندگان

در این مراسم باشکوه، ابوالفضل‌الحسین (علیه‌السلام) را سمبل برای آزادی، و شخصیتی جهان شمول می‌دانند. هرچند وجه بارز این روزهای جامعه عراق، کاهش بی‌سابقه این اقلیت‌ها به دلیل گسترش دامنه خشونت تکفیری‌ها است. تا جایی که جمعیت ارامنه و آشوریان از بیش از یک میلیون در ۲۰۰۳، به کمتر از پانصد هزار نفر شبکه‌ها به یک‌دوم، صابئین به یک‌هفتم (Cordesman and Khazaei, 2014)، به علت خشونت و مهاجرت کاهش یافته است.

۲. قدرت نرم مسلمانان: این حضور نشان می‌دهد که مکتب حسینی از قابلیت و قدرت بسیج بالایی برخوردار است که مشابه آن را در جهان امروز (که در معرض هجوم افسارگسیخته فرهنگ غرب قرار گرفته و باعث تکه‌تکه شدن هویت‌های جمعی شده است) نمی‌توان سراغ داشت.

۳. نماد ظلم ستیزی مکتب حسینی: این حضور باعث آشنایی افکار عمومی بین‌المللی با ماهیت ظلم‌ستیزی مکتب حسینی و نمادهای عینی آن تاسوعا - عاشورا و اربعین می‌شود و در عین حال با بازخوانی واقعه جانسور عاشورا چهره عاملان و مسببان این واقعه را در چهره داعش و دیگر افراد و گروه‌های تکفیری برای افکار عمومی بین‌المللی معرفی می‌کند.

۴. تقریب مذاهب: حضور میلیون‌ها نفر از مسلمانان جهان اعم از شیعه و سنی در این مراسم نشان می‌دهد که راهپیمایی اربعین ظرفیت تقریب مذاهب را نیز در بر دارد که این مسئله خود می‌تواند بخش اعظم تبلیغات رسانه‌های بیگانه در اختلاف‌افکنی میان شیعیان و اهل تسنن را خنثی نماید.

۵. اهمیت نیروهای مردمی یا حشدالشعبی: حضور میلیون‌ها زائر در اربعین از سویی نمایشگر کارکردهای نیروهای مردمی است که در عین مبارزه با تروریسم با کمک به دولت عراق توانستند امنیت را برقرار کنند و در واقع مراسم اربعین این ظرفیت و کارکردهای این نیروها را نیز به نمایش گذاشت.

۶. رابطه مستقیم بومی بودن امنیت با دوام آن: روند تامین امنیت ۲۰ میلیون زائر نشان می‌دهد که هرچه عوامل و زمینه‌های تامین امنیت بومی باشد به همان میزان ضریب، دوام و قوام آن نیز افزایش می‌یابد. از این رو، حضور نظامیان خارجی و پایگاه‌های امریکایی در منطقه بیش از اینکه باعث ثبات باشد به ناامنی دامن می‌زند.

۷. بی‌نیازی عراق به دخالت امریکا: با وجود درگیری دولت عراق با تروریسم داعش توانمندی در حفظ امنیت ۲۰ میلیون زائر نشان می‌دهد که دولت و ملت عراق نیاز به قیم ندارد و خود قادر است. امنیت خود را تامین نماید.

۸. روشنگری در جهان: نمود جهانی و به نوعی تبلیغ اربعین در جامعه جهانی تأثیرگذار است. غرب بخصوص، طی دو دهه گذشته تلاش زیادی بکار بسته تا اسلام را عامل تفرقه دشمنی میان ملت‌ها معرفی کرده و پیروان آن را در حال سرخورده شدن از آن و رهاکردن دین جلوه دهند. غرب طی سال‌های اخیر با برجسته‌سازی جایگاه گروه‌های تروریستی نظیر داعش وانمود می‌کرد اسلام در حال منزوی و مطرود شدن در جغرافیای خود است. راهپیمایی چند ده میلیونی اربعین در عراق که در مقیاس‌های دیگری در بعضی دیگر از کشورهای اسلامی منطقه تکرار شده است، نشان داد که «اسلام بالنده» به شکلی توفنده در صحنه حضور دارد و از قضا در کشوری که بیش از سایر کشورها با دو مقوله اشغال نظامی غرب و تروریسم دست به گریبان بوده و فدائیان بیشتری داده است، توفنده‌تر است. در واقع اربعین به عنوان نماد استکبار ستیزی و درخشان‌ترین مقاومت، علیه تیرگی‌های ناشی از فساد و ظلم، نه تنها در جهان اسلام، بلکه

در سرتاسر گیتی همواره مطرح خواهد بود (گلی زواره، ۱۳۹۳: ۱۷۰).

۹. **باندگی بیداری اسلامی:** حاکمان ستمگر در طول تاریخ کوشیده‌اند تا با انواع مکر و نیرنگ، حرکت مستضعفان در مسیر سیدالشهدا^(ع) را فرو بنشانند و پرتو نورانی انقلاب او را خاموش کنند (حسینی جلالی، ۱۳۹۳: ۴۰)؛ اما امروزه مسلمانان نشان دادند، برخلاف آنچه تصور و تبلیغ می‌شود، جوامع اسلامی در مسیر بیداری اسلامی دچار تردید و سستی نشده‌اند و آنچه در خیال غرب خلجان می‌کند، توهمی است که با تبلیغات رسانه‌ای، واقعیت معرفی می‌شود.

۱۰. **نفی استکبار:** حرکت اربعین با الگوگیری از حرکت امام حسین^(ع) ناظر بر عزت‌طلبی و ذلت‌گریزی و نفی استکبار خارجی و استبداد داخلی است.

نتیجه‌گیری

تشیع با خردگرایی ذاتی خود، عدالت‌طلبی و صلح‌خواهی مطلوب توده‌ها، تکیه بر ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی موجود، درک هوشمندانه از شرایط منطقه‌ای و جهانی و تعامل موثر در سه حوزه شیعی، اسلامی و جهانی می‌تواند ضمن تحکیم جایگاه تاریخی خود از منافع و امنیت شیعیان خاورمیانه در عصر سیاهی و تباهی دفاع نماید. فرانسوا توال بر این واقعیت ژئوپلیتیکی پیچیده با صراحت صحنه می‌گذارد. وی در جایی می‌گوید: «از این به بعد در خاورمیانه و خاور نزدیک چه در سیاست داخلی و چه در روابط خارجی، هیچ‌چیز بدون توجه به واقعیت‌های شیعی انجام نخواهد پذیرفت. چنین نقش بالنده‌ای از شیعیان را باید در عقاید و آموزه‌های آن جستجو کرد که یکی از آموزه‌ها و نمادهای اصلی شیعیان زنده‌نگه داشتن نهضت عاشور است که امروزه راهپیمایی عظیم اربعین سمبل آن است. بی‌شک این راهپیمایی عظیم نقش بسیار گسترده‌ای در هویت‌یابی و قدرت‌نمایی شیعیان، بخصوص در سال‌های اخیر پس از سقوط صدام داشته است. پیاده‌روی اربعین با دامنه‌ی جهانی، پیام‌رسان دوستی اقوام و فرهنگ‌ها و وحدت مسلمانان است. در شرایط بحرانی خاورمیانه، که جبهه‌ی غربی، و جبهه متحجر پادشاهان عربی، از هیچ تلاشی جهت انزوای تشیع دریغ نوزید؛ اربعین حسینی، سمبل: مقاومت؛ عدالت، آزادگی، ایمان و در یک کلام، ایستادگی مقابل استکبار و جهل است که انسان‌های آزاده را از هر دین و نژادی کنار هم جمع آورده. اربعین به‌عنوان یکی از نمادهای ناب شیعی، مخاطب خود را فقط شیعه نمی‌داند؛ اربعین پیام بیداری ملل اسلام و تمام آزادگان از یورغ جور و ستم است. شرکت فرق مختلف؛ اعم از مذاهب اسلامی و سایر ادیان در این راهپیمایی، نمایش یک دلی و اتحاد مقابل تروریسم و خشونت است؛ که مرجع آن به‌طور عام کشورهای اسلام‌ستیز و به‌طور خاص کشورهای شیعه ستیزاند. امروزه تشیع جایگاه حقیقی خود را در قالب قدرت سخت و نرم به‌دست آورده است. جنگ همه‌جانبه بر علیه ایران (۱۹۸۰)، اشغال عراق (۲۰۰۳)، جنگ بر علیه حزب‌الله (۲۰۰۶)، و حالا جنگ بر علیه یمن و سوریه چیزی به جز انزوای غرب و وهابیت و باندگی شیعه دربر نداشت. اتخاذ سیاست شیعه‌هراسی توسط دولت‌های غربی، در راستای ظرفیت بالای قدرت نرم آموزه‌های شیعی و نیز احتمالاً جایگزینی مکتب اسلام سیاسی به‌جای شوروی سوسیالیست چیزی است که قدرت‌های غربی سخت پیگیر آند. تاکتیکی که غرب در تمامی دوران جنگ سرد با تقسیم جهان به دو بلوک خیر (نظام دموکراسی) و شر (نظام‌های کمونیست) نظام دلخواه خود را ترسیم و مفهوم‌سازی کرده است. این عمل را غرب با کمک کشورهای پادشاهی عرب، پشتیبانی از اسلام فاشیستی وهابی و ترویج و پشتیبانی از تروریسم انجام می‌دهد؛

زیرا آنان به خوبی می‌دانند، آموزه‌های ناب شیعی، در سایه ولایت امام معصوم و فقه‌ها، شوق شهادت با الگوگری امام حسین (ع)، و اعتقاد به ظهور مهدی (عج)؛ چیزی را به نام مصالحه با استکبار و معامله در شریعت نمی‌پذیرد و این را همواره در حوادث بسیار ثابت کرده است. به همین دلیل هانتینگتن، اسلام فاشیستی را عربستان و آموزه‌های اسلام وهابی می‌داند، و فکویاما خود از بال‌های سرخ و سبز تشیع و ولایت سخن می‌راند، که شیعه را مقابل هر گونه تهاجم و زهر کشنده واکسینه ساخته‌اند؛ لذا، در عمل و به تبع از آگاهی از نفوذناپذیری اصول و اعتقادات شیعی، ترجیحات آنها به جای وهابیت هراسی و اسلام ستیزنده غربی، شیعه هراسی است. منتها اگر امروز شیعه در منطقه خاورمیانه قدرت هژمون است بی‌شک این قدرت را در سایه ایدئولوژی و اعتقاد و نمادهای اسلامی - شیعی کسب کرده است. منتها ژئوپلیتیک واقعی شیعه چیزی است که بر گرفته از اصول، مذهب و اعتقادات اصیل شیعی و امروزه راهپیمایی عظیم و فرامذهبی اربعین یکی از این نمادها است.

کتابشناسی

۱. احمدی، سیدعباس؛ حسینی نصرآبادی، نرجس سادات (۱۳۹۵)، «وضعیت ژئوپلیتیک شیعه در عصر جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۲۴-۱؛
۲. آبادی، عبدالرحیم (۱۳۹۳)، «پیاپی روی اربعین حسینی در سیره و سخن بزرگان»، مجله فرهنگ زیارت، سال پنجم، تابستان و پاییز، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۱۶۹-۱۴۹؛
۳. احمدی، سیدعباس؛ حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، «موانع و شیوه‌های بازدارنده تجدید حیات شیعه در جهان»، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۳۰، صص ۱۹۱-۱۵۷؛
۴. احتشامی، انوشیروان (۱۳۸۱)، «بنیادگرایی اسلامی و اسلام سیاسی»، ترجمه محسن ثلاثی، فصلنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۲۶۰-۲۴۵؛
۵. پورامینی، محمدامین (۱۳۹۳)، «جایگاه زیارت اربعین در متون حدیثی و فقهی»، مجله فرهنگ زیارت، قم: حوزه علمیه قم. سال پنجم، تابستان و پاییز، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۸۵-۷۵؛
۶. توانا، محمدعلی؛ سلیمان، مهناز (۱۳۹۱)، «آینده گفتمان سیاسی - فرهنگی شیعی در جغرافیای سیاسی - فرهنگی خاورمیانه»، مجموعه مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه، ۱۶ و ۱۷ آبان ماه، تهران: دانشگاه تربیت مدرس؛
۷. تلاشان، حسن (۱۳۸۸)، «ژئوپلیتیک شیعه در لبنان قبل و بعد از جنگ ۳۳ روزه»، فصلنامه شیعه‌شناسی، قم: حوزه علمیه قم، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۳۴-۷؛
۸. توال، فرانسوا (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه کتابیون باصر، تهران: انتشارات ویستار، چاپ سوم، ص ۲۰۰؛
۹. جاودانی‌مقدم، مهدی (۱۳۹۱)، «ژئوپلیتیک نوین تشیع در خاورمیانه و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره ۲، صص ۶۲-۲۹؛
۱۰. جعفری، علی‌اکبر؛ منفرد، سیدقاسم (۱۳۹۰)، «رفتارسنجی آمریکا در قبال دومینوی انقلاب‌های خاورمیانه»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره چهارم، شماره ۱۱، صص ۵۶-۳۹؛
۱۱. جردن، تری؛ روانتری، لستر (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه محمد سلیمانی و سیمین تولایی، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول؛
۱۲. حسینی جلالی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۳)، «نقش اربعین در احیاء یاد عاشورا و گسترش نهضت امام حسین (ع)»، مجله فرهنگ زیارت، سال پنجم، تابستان و پاییز، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۴۷-۳۵؛

۱۳. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی، چاپ سوم؛
۱۴. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۷)، «هلال شیعی؛ فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره اول، صص ۱۹۲-۱۵۲؛
۱۵. خواجه‌سروری، غلامرضا؛ بهرامی، سمیه (۱۳۹۳)، «تحلیل روابط ایران و عراق بر اساس گفتمان ایران هراسی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۴، صص ۱۰۶-۸۳؛
۱۶. خضری، سیداحمدرضا (۱۳۹۱)، تشیع در تاریخ، قم: نشر معارف، چاپ اول؛
۱۷. خلیلی، اسدالله (۱۳۸۳)، روابط ایران و آمریکا، بررسی دیدگاه نخبگان آمریکایی، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ اول؛
۱۸. درخشه، جلال؛ جمیری، محمد (۱۳۹۰)، «انقلاب اسلامی ایران و تحول در حرکت شیعی عربستان سعودی»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۷۰-۳۵؛
۱۹. ذوالفقاری، ابوالفضل؛ پورمحمدی، مژده (۱۳۹۴)، «تحلیل پیامدی جنبش‌های مردمی منطقه خاورمیانه از منظر گسترش شکاف مذهبی شیعه و سنی»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۲، صص ۱۳۲-۱۱۳؛
۲۰. زارع خورمیزی، محمدرضا (۱۳۹۲)، اربعین‌های خونین، مجموعه مقالات اربعین، جمع‌آوری سده توسط جمعی از نویسندگان، قم: پژوهشکده حج و زیارت، صص ۳۲۹-۳۰۳؛
۲۱. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس، با تأکید بر شیعیان، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول؛
۲۲. سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۲)، نظریات مختلف در روابط بین‌الملل، چاپ دوم، تهران: انتشارات سفیر؛
۲۳. صفحی، سیدمحمد (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک فرهنگی و مسئله امنیت ملی، تهران: انتشارات شمس، چاپ اول؛
۲۴. ضرغامی، برزین و همکاران (۱۳۹۳)، «ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعه (مبانی، اهداف و رویکردها)»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ششم، شماره ۱، صص ۲۱۴-۱۹۷؛
۲۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۱)، شیعه؛ مجموعه مذاکرات با پروفسور کرین، گردآورنده: سیدهادی هادی خسروشاهی، قم: انتشارات بوستان قم، چاپ پنجم؛
۲۶. عزتی، ابوالفضل (۱۳۵۷)، اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات هدی، چاپ اول؛
۲۷. فلیت، کالین (۱۳۹۰)، مقدمه‌ای بر ژئوپلیتیک، ترجمه محمد باقر قالیباف و هادی پوینده، تهران: انتشارات قومس، چاپ اول؛
۲۸. فولر، گراهام (۱۳۷۸)، قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخیر، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم؛
۲۹. قاضی طباطبایی، سیدمحمدعلی (۱۳۶۸)، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهدا(ع)، قم: بنیاد علمی و فرهنگی شهید آیت‌الله قاضی طباطبایی، چاپ اول؛
۳۰. کیانی، وحید و همکاران (۱۳۹۳)، «فرایند قلمروسازی گفتمانی؛ نقدی بر نظریه هلال شیعی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۱۲۴-۹۹؛
۳۱. کاویانی‌راد، مراد و همکاران (۱۳۹۱)، «تبیین منازعات ژئوپلیتیکی شیعه و سنی (بعد از حمله آمریکا به عراق)»، مجموعه مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه، ۱۶ و ۱۷ آبان ماه، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، صص ۲۱۹-۱۹۸؛
۳۲. کوهن، سائول برنارد (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک نظام جهانی، چاپ اول، ترجمه عباس کاردان، تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر، چاپ اول؛
۳۳. گلی‌زواره، غلامرضا (۱۳۹۳)، «اربعین حسینی در آثار و اظار علما»، مجله فرهنگ زیارت، سال پنجم، تابستان و پاییز، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۹۵-۶۹؛
۳۴. متقی، افشین و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی نقش ژئوپلیتیک انرژی در مفهوم‌سازی هلال شیعه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال اول، شماره ۳، صص ۱۷۲-۱۴۷؛

۳۵. مظاهری، محسن حسام (۱۳۹۵)، فرهنگ سوگ شیعی، تهران: نشر خیمه، چاپ اول، صص ۶۷۲؛
۳۶. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۰)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، ویراست دوم، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم؛
۳۷. نادری، احمد (۱۳۹۱)، «ریملند شیعی و نقش ایران به عنوان تمدن اسلامی در نبرد تمدن‌ها»، مجموعه مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه، ۱۶ و ۱۷ آبان ماه، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، صص ۳۴۱-۳۲۰؛
۳۸. (۱۳۹۰)، «نومکیندریسم و نظریه ریملند شیعی»، فصلنامه دین و ارتباطات، دوره هجدهم، شماره ۴۰، صص ۲۰۷-۱۷۷؛
39. Cordesman, Anthony. H and Sam Khazai (2014), "Iraq in Crisis", Center for Strategic & International Studies;
40. Dodds, Klaus (2000), "Geopolitical in a Changing World," England: Pearson Education Limited;
41. fukuyama ,francis (2003)," Shiism As Mahdism: Reflections On A Doctrine of Hope", In: www.payvand.com/news/03/nov/1126.html;
42. Gerecht. R.M (2004), The Islamic paradox, Shiite Clerics, Sunni;
43. Fundamentalists and the Coming of Arab Democracy, United States of America. Washington, D.C: The AEI press;
44. Johnston, Ron & et. Al (1994), "The dictionary Housman Geography", U. K: Blackwell;
45. Kramer, Martin (1984),"Shia, Resistance and Revolution", Middle Eastern Studies, Vol. 25, No. 2;
46. Nasr,Vali (2006),The Emrging Shia Crescent, Implicationfor U.S, Policy in the Middle East, June 5, Third panel, Concil on Foreign Relationsr , New york Routledge, London;
47. (2004), "Reginal Implications of Shia Revival in Iraq", Washington quarterly, Vol 27, No. 32.